

بررسی تطبیقی مضامین رمانتیسم در اشعار مفدی زکریا و محمدحسین

شهریار

عبدالأحد غیبی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۳

زهرا محمدپور**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱۵

نسرین حسینی توانا***

چکیده

اشعار زکریا و شهریار زیباترین و دلنشین‌ترین مفاهیم و مضامین رمانتیکی را به تصویر می‌کشد. اشعار این دو شاعر مضامین رمانتیکی مشترکی دارند که از برجسته‌ترین آن‌ها می‌توان به طبیعت، غربت، فقر و وطن‌پرستی اشاره کرد. طبیعت به عنوان یکی از پر بسامدترین مفاهیم و مضامین رمانتیکی است که بیش‌تر اشعار زکریا و شهریار را به خود اختصاص داده است؛ طبیعتی که شاعر از ناامیدی روزگار به آن پناه می‌برد و آن را مکانی امن برای خود قرار می‌دهد. مفدی زکریا و شهریار این مضامین رمانتیکی را با تشبیهات زیبا و خیال‌انگیز خلق می‌کنند که در ذهن و قلب خواننده تأثیری شگرف می‌گذارد. در این پژوهش سعی بر این است مفاهیم مشترک رمانتیکی در اشعار دو شاعر سرشناس الجزائری و ایرانی به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژگان: شعر عربی، شعر فارسی، نوستالوژی، فقر، طبیعت.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (دانشیار).

A. gheibi@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Zahra_arabik7680@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Nasrintavana28@gmail.com

نویسنده مسئول: عبدالأحد غیبی

مقدمه

ارائه تعریف دقیقی از رمانتیسم که بتواند به نحو واضح و همه جانبه ماهیت آن را برای ما مشخص سازد کار دشواری است؛ وسعت و دامنه گسترده این نهضت که همه مظاهر هنر، فلسفه، جهان بینی و مذهب، تفکر، سیاست و ... را در بر گرفته است از سوی، و معانی متضاد و گوناگون نهفته در این واژه از طرف دیگر، به این دشواری دامن زده است. «واژه «رمانتیسم» در قرن هفدهم در انگلستان، در مورد تعبیرات شاعرانه به کار می‌رفت. این نام در آغاز با رمان‌های قدیمی و قصه‌های شوالیه‌گری و جوانمردی در پیوند بود. ویژگی این قصه‌ها، داشتن احساسات پر سوز و گداز، غیر واقعی نمایی، اغراق و خیال پردازی بود. رمانتیسم در واقع نهضتی فلسفی و ادبی است که در زمینه ادب به رجحان احساس و تخیل به جای استدلال و تعقل تأکید دارد و منادی آزادی مطلق هنرمند از قیود شعری از جمله بندهای عروضی است» (دادخواه و حیدری، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

«رمانتیسم در عین حال انقلابی و ضد انقلابی، جهانی و ملی، واقع‌گرا و خیال‌پرور، بازگشت‌گرا و آرمان‌گرا، دموکراتیک و اشرافی، جمهوری‌خواه و سلطنت‌طلب، سرخ و سفید، عرفانی و حسی است. این تضادها نه فقط در بطن هنر رمانتیک به طور کلی نهفته است، بلکه اغلب در زندگی و آثار یک نویسنده و حتی یک متن نیز وجود دارد» (رابرت، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

پژوهشگران دلایل گوناگونی را برای تبیین و رشد جنبش رمانتیک ذکر کرده‌اند: بعضی از آن‌ها جنبش رمانتیک را تلاشی در سوی حرمت نهادن به احساس، عاطفه و خیال دانسته‌اند. عده‌ای اوج‌گیری جنبش رمانتیک را واکنشی می‌دانند در برابر ناامنی‌ها و نابرابری‌ها و نابسامانی‌های دامن‌گستر ناشی از انقلاب، و بالأخره بسیاری از محققان این جنبش را واکنشی در برابر انقلاب فرانسه به حساب می‌آورند، زیرا این انقلاب وعده آزادی، برابری و اصلاح امور را داده بود. اما خشونت‌ها و انتقام‌جویی‌های دوران انقلاب، خودکامگی‌های دیوان‌سالاری، جنگ‌های ناپلئونی و زیر و رو شدن بسیاری از هنجارها و سنت‌ها نابسامانی‌های فراوان در پی آورد و سرخوردگی، بدگمانی، جای شور و شوق نخستین را گرفت» (مرتضویان، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۷۵). به طور مسلم، رمانتیسم یکی از مکاتب مهم ادبی جهان معاصر است و اساس و شالوده‌ای غربی دارد. رمانتیسم

تأثیرات شگرفی در هر یک از دو ادبیات فارسی و عربی در دوره معاصر بر جای نهاده است. رمانتیک ایرانی گرچه تا حدودی از رمانتیک عربی و اروپائی متفاوت است، ولی همچون ادبیات رمانتیک عرب از مکتب رمانتیک اروپا متأثر است. رمانتیک ایرانی از نیما یوشیج آغاز می‌گردد، او متأثر از «رمانتیسم فرانسه» بود. به دنبال نیما، شاعرانی مانند ملک الشعرای بهار و شهریار هم از این مکتب متأثر بودند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۵۰). افرادی چون فریدون توللی و گلچین گیلانی در دهه بیست نمایندگان رمانتیسم در شعر ایران هستند. دهه سی به بعد رمانتیک ایرانی، دوره پرتلاطمی را پشت سر می‌نهد (شمس لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲۵).

با نگاهی به زمینه‌های پیدایش شعر در ادبیات فارسی و عربی و بررسی آثار و اندیشه‌های شاعران، نقاط مشترک بسیاری را می‌توان در زندگی و افکار آنان پیدا کرد؛ از جمله این شاعران می‌توان به شهریار شاعر خوش آوازه ایرانی و مفدی زکریا شاعر برجسته الجزایری اشاره نمود. اگرچه میان این دو شاعر پیوند و ارتباطی نبوده است، اما رشد و بالندگی این دو در دامن طبیعت، غربت، عشق به وطن، فقر و محرومیت و نگاه منتقدانه به امور پیرامون، بازتاب‌هایی از رمانتیسم را در سروده‌هایشان ارائه می‌دهد که مقایسه این سروده‌ها مخاطبان را در شناسایی جلوه‌های مشترک اشعار این دو شاعر یاری می‌رساند. این پژوهش می‌کوشد به شیوه تحلیلی-توصیفی و با رویکردی تطبیقی به تحلیل و بررسی اشعار شهریار و مفدی زکریا و مقایسه پاره‌ای از مضامین مشترک در سروده‌های این دو شاعر بپردازد.

پیشینه تحقیق

در موضوع رمانتیسم و شاخص‌های مربوط به آن پژوهش‌های ارزشمندی در ادبیات معاصر عربی و فارسی به نگارش در آمده است؛ با بررسی‌هایی که انجام گرفت روشن شد در خصوص اشعار مفدی زکریا و مضامین رمانتیکی مقاله‌ای تا کنون نوشته نشده است. اما در ارتباط تأثیر رمانتیسم در شعر شهریار در سال‌های اخیر مقالات در خوری نگاشته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مقاله عبدالأحد غیبی و محمود رباب پور با عنوان «بررسی تطبیقی مضامین رمانتیسم در اشعار ابراهیم ناجی و

محمدحسین شهریار» که در فصلنامه لسان مبین در سال ۱۳۹۰، شماره ۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله مفاهیم رمانتیکی مشترک در اشعار این دو شاعر برجسته ایران و مصر با رویکردی تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله باقر صدری‌نیا با عنوان «جلوه‌های رمانتیسم در شعر شهریار» که در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۱۳۸۲، شماره ۴۶ به چاپ رسیده است که نگارنده ضمن پرداختن به پیشینه پیدایش رمانتیسم و آثار رمانتیکی ایرانی، چگونگی بازتاب جلوه‌های محتوایی و صوری رمانتیسم را در شعر شهریار بررسی کرده است.

مقاله بهمن علامی و اسماعیل صابری با عنوان «جلوه‌های طبیعت در آثار شهریار» که در نشریه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال ۱۳۹۲، شماره ۹ به چاپ رسیده است عناصر طبیعت در شعر شهریار را تحلیل و تبیین می‌کنند.

اما با بررسی‌ها و مطالعاتی که در مجلات و سایت‌های اینترنتی صورت گرفت روشن شد که در خصوص گرایش رمانتیکی در اشعار مفدی زکریا و مقایسه اشعار این شاعر الجزائری با اشعار محمدحسین شهریار پژوهشی صورت نگرفته است و تنها مقاله‌ای با عنوان «مفدی زکریا و شعر مقاومت الجزایر» توسط فاطمه قادری در نشریه ادبیات پایداری، سال ۱۳۸۹، شماره ۲۰ به چاپ رسیده است.

رمانتیسم

مکتب رمانتیسم به عنوان مکتب ادبی مطرح و مشخص برای نخستین بار در انگلیس ظهور پیدا کرد و سپس به تدریج تمام اروپا را درنوردید. این مکتب از مهم‌ترین مکاتب ادبی غرب است که به اعتقاد برخی منتقدان عالی‌ترین قله ادبی بعد از شکسپیر محسوب می‌شود (غیبی و دیگران: ۱۳۹۰). شعر رمانتیک شعری پیشرو و جهانی است، شعر رمانتیک هر چیز شاعرانه‌ای را در آغوش می‌گیرد و می‌پذیرد، از عظیم‌ترین و شگفت‌انگیزترین نظام‌های پیچیده هنری تا آه و حسرت دل سوختگان، بوسه‌ای که در آواز معصومانه کودک می‌شکند و شعر خاص خود را می‌آفریند (لیلان، ۱۳۷۵: ۶۸). در این راستا بی‌تردید، شعر غنایی زیباترین و شکوهمندترین دستاورد و گل سرسبد مکتب

رمانتیسم محسوب می‌گردد و همچنین در زیباشناسی رمانتیک عواملی وجود دارد که آشکارا زمینه را برای رشد و گسترش شعر غنایی مساعد می‌کند و آن را توسعه می‌دهد. نخستین و مهم‌ترین این عوامل، مفهوم جدید تخیل است (همان: ۷۹-۸۰). به همین جهت برخی از منتقدان، نسل رمانتیسم را نسل آرزوهای بر باد رفته می‌دانند و *بالزاک* نویسنده رمانتیست فرانسه، *لامارتین* شاعر مشهور فرانسه را «ترانه خوان ناتوان شب‌های مهتابی» می‌داند (غیبی و دیگران: ۱۳۹۰).

زرین کوب درباره مکتب رمانتیک می‌گوید: «ادبیات رمانتیک بر عکس کلاسیک که بیش‌تر بر عقل تکیه دارد، متکی به شور، ذوق و احساس و تخیل است و اساس بینش و ادراک رمانتیک هر عنصر، شخصی و فردی است. عقاید رمانتیک‌ها بیش‌تر مشتمل بر اعتقاد به نسبی بودن زیبایی و هنر، برتری احساسات و عواطف قلبی بر سایر قوای ذهنی، تأکید بر وحدت و همانندی شعر در نزد تمام ملل، اعتقاد به رابطه بین شعر و موسیقی، ضرورت رهایی از قید سنت‌ها در ادب، و پرداختن به عواطف فردی است» (سلیمی و دیگران: ۱۳۹۰).

رمانتیسم و ویژگی آن در ادبیات عربی و فارسی

در سرزمین‌های عربی نیز حمله *نابلیون* به مصر در قرن هجده موجب گردید تا در وضعیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مصر تحولاتی اساسی صورت گیرد و در پی این تحولات، دیگر کشورهای عربی نیز دستخوش تغییر گردیدند و در نتیجه، در قرن هجدهم قرن بیداری ملت عرب و آغاز نهضت فراگیری در زمینه‌های مختلف بود (عبادیان، ۱۳۹۱: ۱۲۵). در شعر رمانتیک عربی تعارض میان شکل و محتوا تقریباً از میان رفته و نمونه عالی شعر غنایی، فرمانروایی عواطف و احساسات شخصی است و این شبیه به آن چیزی است که در شعر رمانتیک دیده می‌شود و درونمایه اصلی شعر رمانتیک، عبارت است از اندوه و شوق مبهم، خاطرات دوران کودکی، طبیعت و غیره (سلیمی و دیگران: ۱۳۹۱).

«از اوایل قرن بیستم، شاعران عرب در حرکتی نو از روش‌ها و سلیقه‌های قدیم در بیان اندیشه و در ارزیابی سخن خارج شدند و اندک اندک خود را از قیود شعری

گذشتگان رها ساختند؛ زیرا بر این باور بودند که شاعر معاصر باید از ادراک و تصور و احساس خود و نه از ادراک و احساس شاعران دوره‌های پیشین، سخن بگوید» (دادخواه و دیگران: ۱۳۸۵). رمانتیسم در جهان عرب به گونه‌ای گسترده در تار و پود شعر و ادب عربی نفوذ کرد و علاوه بر خلیل مطران و ابوالقاسم شاتبی، افرادی مانند جبران خلیل جبران و گروهی دیگر را می‌توان از پیشگامان این مکتب ادبی دانست.

در مورد ورود رمانتیسم به ایران باید گفت: «آغاز این جریان در ایران، مانند رمانتیسم اروپا، هم‌زمان با کشمکش‌های نو و کهن و انقلاب سیاسی و تحولات اجتماعی، اقتصادی و فکری یعنی جنبش مشروطیت است؛ جنبشی که موجبات تغییر ساختار حکومتی، اقتصادی، فرهنگی و ادبی را فراهم آورد. گویا ظهور رمانتیسم همراه با گذر از سنت به تجدد است که در عصر نوجویی و دگرگونی ادبی رگه‌های رمانتیسم در ادبیات جدید فارسی جلوه می‌نماید» (رفعت‌جو، ۱۳۸۴: ۲۹).

«نمی‌توان همه احکامی را که در مورد علل پیدایش و ویژگی این مکتب در اروپا صادر می‌شود، بر حوزه ادبی ایران نیز تعمیم داد» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۱۴). «در ارتباط با ادب غنی فارسی هم به نظر می‌رسد که مکتب رمانتیسم از مکتب‌های مهم ادبی غرب است که بیش‌تر از دیگر مکاتب در ادب فارسی بر رمانتیسم فارسی تأثیر نهاده است» (جعفری جزی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

محدوده رمانتیسم در ایران تنها ادبیات بود و بس. در حالی که در اروپا به عنوان یک جنبش عظیم حوزه‌های متعددی از قبیل جهان بینی، فلسفه و تاریخ را در بر می‌گرفت و در نهایت الگوهای فرهنگی، تفاوتی بین رمانتیسم اروپا و ایران قایل شده است. در شعر دوره مشروطه رمانتیسم بر دیگر ابعاد آن غلبه دارد و مضامین آن عبارت است از دلبستگی شدید آرمانی به انقلاب و آزادی و همدردی با توده مردم، و میهن دوستی که در آثار ملک الشعراء بهار و شه‌ریار می‌توان دید (خاکپور، ۱۳۸۹: ۲۳).

به دنبال جنبش مشروطه در ایران و آشنایی شاعران و نویسندگان این سرزمین با فرهنگ و ادب اروپایی، به ادبیات ساکن کلاسیک ایرانی تکانی وارد آمد و روح جنبش جدیدی در آن دمیده شد. در شعر و ادب فارسی نیز هنرمندانی قد برافراشتند که هر یک به اندازه‌ای در تجدد و ادب آن سرزمین سهم داشتند. شاعران بزرگی چون پروین

اعتصامی، نیما یوشیج، ملک الشعراء بهار و محمدحسین شهریار نقش تعیین کننده داشتند (علیزاده، ۱۳۷۴: ۵۴).

مفدی زکریا شاعر رمانتیست الجزایر

مفدی زکریا در سال ۱۹۰۸ میلادی در روستای «بنی یسجن» یا «بنی یزقن» از توابع «وادی میزاب» واقع در جنوب الجزایر متولد شد. او در ادبیات به «ابن تومرت» و در انقلاب به «شاعر الثورة الجزائرية» لقب یافته است. وی قرآن و علوم ابتدایی را در مکتبخانه‌های زادگاه خود فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیل به «عنابة» که محل تجارت پدرش بود رفت. پس از آن پدرش او را به همراه یک گروه علمی به تونس فرستاد و به مدت دو سال در مدرسه «السلام القرآنیة» به تحصیل پرداخت. در آنجا اصول عربی و علوم را نزد استادانی چون *الساذلی المرالی* و *عبدالعزیز الباوندی* فرا گرفته و موفق به اخذ مدرک ابتدایی گردید و به دنبال آن، برای تحصیل علوم به «المدرسة الخلدونیه» انتقال یافت. سپس به دانشگاه «الزیتونه» تونس راه یافت و نزد اساتید بزرگ نحو، بلاغت و اصول را آموخت و پس از فراغت از تحصیل به کشور خود بازگشت و به جبهه آزادی‌بخش ملی پیوست تا به مبارزه علیه استعمار فرانسه بپردازد. با انتخاب این مسیر، یعنی پیوستن به جبهه آزادی‌بخش، انقلاب و مبارزه انتظار می‌رفت هر از چند گاهی هم زندان و سیاهچال را تجربه کند که این امر بارها اتفاق افتاد و پنج بار زندانی شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۵۹، توانست از زندان گریخته و به صفوف مبارزان جبهه آزادی‌بخش در خارج از کشور بپیوندد. وی پس از استقلال الجزایر در پی مدت‌ها سرگردانی بین کشورهای تونس، الجزایر و مغرب، در تونس استقرار یافت و در سال ۱۹۷۸ در اثر سکت قلبی درگذشت و پیکر او به الجزایر منتقل شده و در زادگاهش به خاک سپرده شد (قبش، ۱۹۷۱: ۱۶۶).

آثار شاعر

مفدی زکریا آثار ادبی و فکری زیادی از خود به جا گذاشته است که برخی از آنها به چاپ رسیده و برخی دیگر در روزنامه‌ها و مجلات منتشر شده و دسته دیگر نیز همچنان

به صورت نسخه خطی باقی مانده است. وی در زمینه شعر چندین دیوان دارد. از مهم‌ترین آن‌ها «اللهب المقدّس» است که به «دیوان الثورة الجزائریة» معروف بوده و بخش اعظم آن شامل اشعاری است که در زندان سروده است (درار، ۲۰۷: ۱۹۸۴). شاعر در مقدمه دیوان خود اظهار می‌دارد آنگونه که به انقلاب و تصویر چهره الجزایر توجه نموده، به فن و صنایع ادبی توجه ننموده است (زکریا: مقدمه دیوان).

سایر دیوان‌های شعری او عبارت‌اند از «أهازیح الزحف المقدّس» که سرودهای انقلابی ملت الجزایر است. «انطلاقة» که دیوان مبارزه سیاسی الجزایر از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۴ است. «الخافق المعذب» که شعر عشق و جوانی است. «محاولات طفولة» که مربوط به دوران جوانی شاعر است. «تحت ظلال الزيتون». «الیاذة الجزائر» (دوغان، ۱۹۹۶: ۲۹۷). شعر مفدی زکریا برخاسته از عمق روح و جان وی بوده و زندگی عادی، سیاسی و مبارزاتی وی را به نمایش می‌گذارد. او از استعداد شاعری بی‌نظیری برخوردار بوده و با هوش و ذکاوت خود به عمق و باطن اشیاء نفوذ می‌کرد.

شهریار شاعر رمانتیست ایران

سید محمدحسین در سال ۱۲۸۳ شمسی در تبریز به دنیا آمد. اصل و نسبش از قریه خشک‌ناب بوده است اما بهجت برای ما نام غریبی است چراکه عاشقان شعر دیری است او را با نام شهریار می‌شناسند. اما این شاعری که غنای روح شاعرانه‌اش، در میان شاعران معاصر بی‌نظیر بود، چگونه از بهجت به شهریار تغییر نام داد؟ دوستش لطف الله زاهدی که در ظاهر جمع‌آوری شعرهای شهریار در یک دفتر و دیوان، با همت و عشق او به شعر شهریار بی‌رابطه نبوده در این باره می‌نویسد: «در اوائل شاعری بهجت تخلص می‌کرد» (منزوی، ۱۳۷۲: ۱۱-۸).

شعر شهریار روان، راحت، ساده، دلنشین و پرجاذبه است چنانکه عامه مردم دوستش دارند و خواص تأییدش می‌کنند و دلیل نام و آوازه شهریار نیز بی‌تردید به ذو لسانین بودن او مربوط می‌شود. او با شعرهای ترکی‌اش به خصوص «حیدربابا» دایره وسیع نام‌آوری‌اش را وسیع‌تر کرده بود (همان).

آثار و ادوار مختلف شعری شهریار

آثار برجای مانده از این شاعر دو جلد دیوان می‌باشد که غزل، رباعی، قطعه، مثنوی، چهارپاره و مسمط قالب‌های شعری آن را تشکیل می‌دهند. در حیات شعری شهریار سه دوره مشخص تراست:

۱- دوره جوانی او که با عشق (عشق ملموس انسانی) همراه است. در این دوره، شاعر غزل‌های عاشقانه می‌سراید.

۲- دوره‌ای که از آشنایی‌اش با «افسانه» نیما آغاز می‌شود و به ارتباط عمیق‌تری با شعر نیمایی منجر می‌شود.

۳- دوره آخر که به دوره پختگی و پیری شاعر مربوط می‌شود. در این دوره گرایش به نوعی عرفان در شعر شهریار آشکار است. شعر شهریار امتزاجی از کلاسیسم و رمانتیسم است به طوری که برخی معتقدند شهریار آخرین ستاره برجسته آسمان ادب کلاسیک ایران و یکی از بارزترین نمایندگان ادبیات رمانتیسم ایران به حساب می‌آید و رمانتیک را در چهارچوب ادب فخیم کلاسیک عرضه می‌دارد، به طوری که در حوزه کلاسیک شهریار را "حافظ ثانی" لقب داده‌اند (غیبی و دیگران: ۱۳۹۰).

جلوه‌های مشترک رمانتیسم در شعر زکریا و شهریار

در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان، توسط ادیب یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر، همان اندیشه به گونه‌ای مشابه و یا متفاوت مجال بروز می‌یابد. این چنین بود که مکتب آمریکایی در سال ۱۹۵۸م، به منصفه ظهور رسید. مکتبی که بر مبنای اصل تأثیر و تأثر در ادبیات تطبیقی توجهی نمی‌کند. آنچه در این مکتب اصالت دارد اصل تشابه و همانندی است.

«همین اصل تشابه و همانندی موجب شد که در این مکتب، ادبیات با دیگر معارف بشری از جمله هنرهای زیبا مثل نگارگری، معماری، رقص و موسیقی مقایسه گردد و حتی بررسی رابطه ادبیات با علوم تجربی نیز در حوزه پژوهش‌های ادبی و نقدی قرار گرفت. ادبیات تطبیقی در این مکتب با نقد مدرن گره خورده است» (علوش، ۱۹۸۷: ۹۳).

در این رهگذر مفدی زکریا و شهریار به عنوان دو شاعر خوش آوازه در ادبیات معاصر الجزایر و ایران، ضمن بهره‌گیری از برخی شاخصه‌های مکتب رمانتیسم عربی و فارسی نظیر عشق به وطن و طبیعت به عمده محصول این مکتب؛ یعنی فقر و محرومیت نزدیک شده‌اند و در این راستا اشعاری مؤثر و همراه با تلاطم احساسات و عواطف درونی سروده‌اند که در بین نسل حاضر مخاطبان فراوانی را به خود جلب نموده است که در اینجا به مقایسه پاره‌ای از این اشعار در شعر این دو پرداخته می‌شود.

فقر و محرومیت

فقر و محرومیت از آشکارترین مشکلات اجتماعی است که انسان از آغاز آن را می‌شناسد. فقر و بدبختی باعث ایجاد بسیاری از آفات اجتماعی دیگر می‌شود که جلوی پیشرفت و ترقی جوامع و انسان را می‌گیرد. مفدی زکریا این پدیده را زشت می‌شمارد چون او در عنفوان جوانی‌اش تلخی سختی و رنج را در به دست آوردن توشه زندگی چشیده است و در مسیرش سختی و عذاب فراوانی متحمل شده است:

وَنَشَأْتُ مَقْصُوصَ الْجَنَاحِ مَعْدَبًا أَفْضَى الْحَيَاةِ مَضَاءً وَعَنَاءً

(زکریا، ۲۰۰۳: ۱۳۴)

- با بال بریده شده در عذاب پرورش یافتن زندگی را در سختی و تنگنا گذراندم
مفدی زکریا با وجود تمامی حوادث و اتفاقاتی که بر الجزایر حاکم بود زندگی کرد و اوضاع و احوال اجتماعی مختلف را در شعرش بیان نمود. پدیده فقر و محرومیتی را که شاعر در قصایدش آورده نتیجه غارت، ظلم و کوچ اجباری دسته جمعی است؛ تا جایی که در اکثر شعرهایش واقعیت و حوادث انسانی که اشغالگران در سرزمین الجزایر ضد مردمانش انجام داده‌اند را به تصویر کشیده است. وی به بند و سلطه کشیدن مردم را ناپسند می‌شمارد چون اشغالگری و ستمگری و خودخواهی در هر جایی از زمین فقر و محرومیت را به دنبال دارد.

این ابیات وی در مورد اشغال الجزایر توسط فرانسوی‌ها است که خرابی، ویرانی و بدبختی به همراه داشت:

يا فرنسا، كَفَى خِداَعاً فِانَا يا فِرْنَسا، لَقَدْ مَلَلْنَا الْوَعُودا

صَرَخَ الشَّعْبُ مُنْذِرًا، تَصَا مَمَّتْ، وَأَبْدَيْتِ جَفْوَةً وَصُدُودًا

(مفدی زکریا، ۱۹۶۱: ۱۷)

- ای فرانسه خدعه و نیرنگ کافی است، ای فرانسه همانا ما از وعده و وعید خسته شده‌ایم. مردم ترسان فریاد زدند پس تو ساکت شدی و ظلم و ستم و بازداشت را نشان دادی

همچنان که در ابیات زیر حالات فقر و محرومیت، غم و اندوه، آوارگی و سرگردانی انسان الجزایری را در سرزمینش به تصویر کشیده است:

أَمِنَ الْعَدْلُ، صَاحِبُ الدَّارِ يَشْقَى وَدَخِيلٌ بِهَا، يَعِيشُ سَعِيدًا
أَمِنَ الْعَدْلُ، صَاحِبُ الدَّارِ يَعْرِى وَغَرِيبٌ يُحْتَلُّ قَصْرًا مَشِيدًا
وَيَجُوعُ إِبْنُهَا، فَيَعْدَمُ قَوْتًا وَيُنَالُ الدَّخِيلُ عَيْشًا رَغِيدًا
وَيُبِيحُ الْمُسْتَعْمِرُونَ حَمَاهَا وَيُظِلُّ إِبْنُهَا طَرِيدًا شَرِيدًا

(همان: ۱۶-۱۷)

- آیا عدالت است که صاحب خانه با بدبختی زندگی کند و اشغالگر در سعادت و خوشبختی زندگی کند؟! آیا عدالت است که صاحب خانه بی خانمان باشد و غریبه و بیگانه قصرهای بلند را اشغال کند! و صاحب خانه گرسنه بماند و طعام را از دست بدهد و غارتگر به زندگی مرفه برسد؟ استعمارگران ناموس و آبروی آن را مباح می‌شمارند و همچنان مردم سرزمین آواره و سرگردان بمانند؟ شاعر به ظلم اشغالگران و اعمال و رفتارهای ناشایست آنان اشاره می‌کند که مردم مظلوم تحت ظلم و ستم آن‌ها زندگی می‌کنند و به ذلت راضی می‌شوند و این مصیبت و گرفتاری بر غربت و ناراحتی شاعر می‌افزاید و چنین می‌سراید:

يَا سَمَاءَ، أَصْعَقِي الْجَبَانَ، وَيَا أَرْضَ إِئِلْعَى، الْقَانِعِ، الْخَنُوعِ، الْبَلِيدِ

(همان: ۱۶-۱۷)

- ای آسمان برای انسان ترسو صاعقه بيفکن و ای زمین، انسانِ خوار، گناهکار و ابله را بلع!

شهریار هم مانند مفدی زکریا در متن جامعه زندگی کرده، با درد متولد شده و با درد زندگی کرده و با درد دنیا را وداع گفته است. اگر درباره فقر و فلاکت سخن می‌گوید

خود نیز مزه آن را چشیده است. درد اجتماع برای شه‌ریار همچون مفدی زکریا مسلّم است. یعنی کسی است که خود، در آتش درد اجتماع می‌سوزد. در آثار شه‌ریار فریاد مستمندان در هر قدمی به گوش می‌رسد و آنچه از ضمیر آن‌ها می‌گذرد و توان گفتن آن‌ها را ندارد، در شعر وی به صراحت طنین‌انداز است. مثل اینکه شه‌ریار در محله‌های فقیرنشین شهر، کوچه به کوچه، خانه به خانه گشته و از جزئیات زندگانی محرومان باخبر بوده است (شعر دوست، ۱۳۸۶: ۳۹۶).

شه‌ریار در جای جای کلامش به درد دل همه کسانی که احساس و درک و محرومیت او را با خود دارند اشاره کرده است از جمله:

من سنون تک داغا سالدیم نفسی (حیدرآبا! من نیز همانند تو نفسم را بر کوه‌ها افکندم)

سن ده قایتار، گو‌یلره سال بو سسی (تو نیز پژواک صدایم را بر آسمان‌ها برگردان)
بایقوشون دا دار اولماسین قفسی (که مبادا قفس جغد نیز تنگ شود)
بوردا بیر شیر داردا قالب باغیریر (اینجا شیری در دام افتاده و نعره می‌کشد)
مروتسیز انسانلاری چاغیریر! (انسان‌های بی‌مروت را به مدد طلب می‌کند)
(محمدزاده، ۱۳۸۲: ۴۷)

شه‌ریار در شعر «بچه یتیم» به بیان محرومیت با تصویرسازی از قتل، غارت، فقر، گرسنگی، گدایی و دزدی بچه‌ها در خیابان‌ها و کوچه‌ها و بی‌عفتی آن‌ها اشاره می‌کند و علت تمام این بدبختی‌ها را ملت می‌داند:

می‌سوزم ای نهال طبیعت به حال تو کز باغبان ندید نوازش نهال تو
گوید زبان حال تو با من ملال تو مسول؟ ملت است به ننگ سؤال تو
ملت گناهکار و تو بینی جزا یتیم ای پابره‌نه دربه‌در کوچه‌ها یتیم

(شه‌ریار، ۱۳۷۳: ۷۰۲)

شه‌ریار اظهار می‌کند که فقر و گرسنگی و سوز سرما و نداشتن سرپناه اکثر مردم را آواره کرده بود. دالان‌های خانه‌ها و مغازه‌ها و ویرانه‌ها پر از زن و بچه و مردم بدبخت بود. صدای ناله‌های بینوایان دل انسان را به درد می‌آورد. یک عده هم از این وضعیت دردناک سوء استفاده می‌کردند و هرچه آذوقه و پوشاک گرم و وسایل گرم‌کننده بود احتکار

می کردند و بدبختی مردم بیچاره و درمانده را می افزودند و خودشان در رفاه کامل زندگی می کردند. شاعر این مضامین را به زیبایی این چنین بیان می کند:

نه بیلیم بلکه طبیعت اؤزو نامرده گون آغلار

آیری یولاری آچارکن، دوز اولان قولاری باغلار، صاف اولان سینه نی داغلار

داغلارین هر نه قوچو، طرلانی، آهوان، مارالی

هامی دوشگون، هامی پوزقون، سینه لر داغلی یارالی، گول آچان یئرده سارالی

- چه بدانم شاید روزگار خودش برای نامرد سرنوشتی رقم بزند. در عین بازکردن

راه های دیگر دست های درستکار را می بندد، به سینه های پاک داغ می کشد.

همه قوچها، طرلانها، آهوان و مارالها که در کوهها هستند. همه آنها خسته،

همه آنها افسرده، سینهها داغ دیده و زخمی، گل در حال شکفتن پژمرده

می شود (محمدزاده، ۱۳۸۲: ۴۷)

شهریار در تمام عمر با تنگدستی دست و پنجه نرم کرده است و از احوال و مشکلات

بینوایان باخبر بوده و در هر فرصتی از گرفتاری های مستمندان سخن گفته است.

مشاهده فقر و گرسنگی مردم دل حساس وی را به درد می آورد؛ چون تحمل دیدن

واقعیت های دردآور را ندارد. شهریار نیز از سرمای زمستان خاطرات تلخی داشته است

که از زبان بیچارگان از ارباب زمستان شکوه می کند:

زمستان پوستین افزود بر تن کدخدایان را

و لیکن پوست خواهد کند ما یکلا قبایان را

ره ماتم سرای ما ندانم از که می پرسد

زمستانی که شناسد در دولت سرایان را

(شهریار، ۱۳۷۳: ۲۸۲)

مفدی زکریا و شهریار از اوضاع و احوال اجتماعی مردم و حوادثی که بر زندگی آنان

حاکم بود باخبر بودند و درد و رنج مردم را به خوبی حس می کردند. شاعر الجزایری از

اشغال سرزمینش توسط فرانسوی ها شکوه می کند و شاعر ایرانی هم از قحطی و

گرسنگی، قتل و غارت، فقر و بدبختی مردم گله می کند؛ که هر دوی آنها این مفاهیم را

به شکلی زیبا در اشعارشان به تصویر کشیده اند.

عشق به وطن

مفدی زکریا به وطن و کشور خود عشق می‌ورزد، عشق او به وطن و رای دیگر عشق‌ها و غیرقابل تصور است. این مطلب را می‌توان از طریق سروده‌های وی دریافت. آنجا که می‌گوید:

فَإِذَا أَيُّهَا النَّاسُ، هَذِي بِلَادِي	وَمَعْبَدُ حَبِّي، وَحِلْمٌ فِئَادِي
وَإِيمَانُ قَلْبِي وَخَالِصُ دِينِي	مَبْنَاهُ فِي مِلَّتِي وَاعْتِقَادِي
بِلَادِي أَحِبُّكَ فَوْقَ الظَّنُونِ	وَأَشَدُّوا بِحُبِّكَ فِي كُلِّ نَادِي
عَشَقْتُ لِأَجْلِكَ كُلَّ جَمِيلِ	وَهَمَّتْ لِأَجْلِكَ فِي كُلِّ وَادِي

(زکریا، ۱۹۸۶: ۳۷)

- ای مردم! این سرزمین من است و مکان عشقم و رؤیای دلم و ایمان قلبم و دین خالصم و پایه و اساس آن در وجود مردم و اعتقاد است. و ای سرزمینم تو را برتر از هر حدس و گمانی دوست دارم و در هر انجمنی از عشق تو می‌سرایم. به خاطر تو به هر زیبایی عشق ورزیدم و به خاطر تو در هر سرزمینی تلاش کردم شاعر همچنین در «نشیدالإنطاقة الوطنية الأولى» جان و مال خود را فدای الجزایر و آزادی آن کرده، تصریح می‌دارد:

فِدَاءُ الْجَزَائِرِ رُوحِي وَ مَالِي	أَلَا فِي سَبِيلِ الْحُرِّيَّةِ
---------------------------------------	---------------------------------

(زکریا، ۲۰۰۷: ۸۹)

- جان و مالم فدای آزادی الجزایر باشد احساس وطن‌دوستی و مبارزه با استبداد و خونریزی، در اندیشه شهریار جنبه جهانی دارد و محدود به ایران نیست. بخش مهمی از شعرهای او که در مضامین اجتماعی و وطن سروده شده به زبان مادری اوست. یکی از مهم‌ترین سروده‌های شهریار که اشارتی مستقیم به جدایی سرزمین‌های ایرانی قفقاز و تجزیه خاک ایران دارد، قطعه شعری است که خطاب به محمد رحیم شاعر قفقازی سروده است:

ایگیت‌لر یوردو قفقازیم، سنه مندن سلام اولسون / سنین عشقینده ایراندا، هنوز صبری تالان واردیر...

- ای سرزمین قهرمانان، قفقازم، سلامم بر تو باد. در عشق تو هنوز بسیاری در ایران سرگردان و پریشان حال اند (شعر دوست، ۱۳۸۶: ۸۴).
شهریار در شعر «مهمان شهریور» نیز به مناسبت بیرون رفتن قوای متجاوز از ایران اظهار شادی می‌نماید و می‌گوید:

خوان به یغما برده آن ناخوانده مهمان می‌رود
آن نمک شناس بشکسته نمکدان می‌رود
ز حریم بوستان باد خزانی بسته بار
یا سپاه اجنبی از خاک ایران می‌رود
گرچه بام و در به سر کوبید صاحبخانه را
خانه آبادان که جغد از بوم ویران می‌رود

(شهریار، ۱۳۷۳: ۲۹۸)

شهریار نه تنها با متجاوزین و اشغالگران وطن خود، بلکه با هر نوع تجاوز و اشغال مخالفت آشتی‌ناپذیر داشت. شهریار در جای دیگر در غزل معروف «آذربایجان» احساسات ملی - میهنی خود را اینگونه وصف می‌کند:

پر می‌زند مرغ دلم با یاد آذربایجان
خوش باد وقت مردم آزاد آذربایجان
در بیستون انقلاب از شور شیرین وطن
بس تیشه بر سر کوفته فرهاد آذربایجان
در مکتب عشق وطن جان باختن آموخته
یا رب که بوده است از ازل استاد آذربایجان

(شهریار، ۱۳۷۳: ۱۶۵)

مفدی زکریا و شهریار عاشق وطن و سرزمین خود بودند که این عشق و وطن پرستی در اشعارشان به وضوح دیده می‌شود؛ تا جایی که مفدی زکریا الجزایر را عروس دنیا می‌خواند. شهریار هم این حس وطن دوستی را در قالب اشعار ملی و میهنی در غزل معروف «آذربایجان» به زیبایی بیان می‌کند.

بازگشت به دامن طبیعت

رمانتیست‌ها عاشق طبیعت هستند و طبیعت را مادر خویش می‌دانند. همدلی و یگانگی انسان با طبیعت از اصول بنیادین هنر رمانتیک است. رمانتیک‌ها می‌گویند شعر لبریز است از همدلی و مهربانی، شعر زبان دل‌بردگی و جذابیت است. خاستگاه شعر تأثیرهای متقابل میان حواس و آثار طبیعی بوده است و هدف آن شکیبایی و آرامش یافتن با طبیعت است.

طبیعت از دیرباز همواره یکی از خاستگاه‌ها و سرچشمه‌های هنر بوده است و در ادبیات ایران و عرب جایگاه ویژه‌ای دارد و گرایش به طبیعت در سروده هر شاعری هرچند به صورت ناخواسته نمایان می‌شود و این بدان سبب است که ذهن و اندیشه درباره طبیعت، در حقیقت به خود اندیشیدن است (عبدی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). طبیعت و عناصر آن همواره در طول تاریخ بازتاب وسیعی در آثار ادبی جهان داشته است و در آثار شاعران مکتب رمانتیسم نیز انعکاس طبیعت پررنگ می‌شود. شاعر با هنرمندی و ظرافتی خاص از این عنصر در اشعار خویش بهره می‌برد به طوری که آغوش مادرانه طبیعت همواره به روی شاعر غریب و دردمند از جفای روزگار باز است. طبیعت نزد شاعر رمانتیست همانند معبدی است که در سختی‌های زندگی در آن به آرامش دست می‌یابد و دمی از رنج زمانه آسوده می‌گردد (سعد الجیار، ۲۰۰۸: ۱۹۹). در اشعار رمانتیک، طبیعت به انسان حیات می‌دهد، الهام شاعرانه می‌بخشد، راهنما و معلم اوست، طغیان می‌کند، ناله سر می‌دهد و در واقع ارتباط با حالات انسانی یا حالت‌های مختلف طبیعت و حس هم‌هویتی آن با انسان از اصول برجسته رمانتیسم است (پورعلی فرد، ۱۳۸۲: ۸۶).

در اشعار مفدی زکریا و شهریار رگه‌های بازگشت به دامن طبیعت مشاهده می‌شود که این دو شاعر اندوه و حزن درونی خود را به عناصر طبیعت تشبیه می‌کنند و با طبیعت همراه می‌شوند. در اشعار مفدی زکریا می‌توان جلوه‌های طبیعت را در ابیات ذیل بیان کرد:

کفی انها تصفر من فرقتی ندمی

حبیب فوادی صار مستتراً ثمّاً

(زکریا، ۲۰۰۳: ۹۰)

هل سال الشمس المنيرة شقوتی

أبيتُ اناجی النجم لیللاً كأنما

- آیا از خورشید درخشان در مورد بدبختی‌ام سؤال کرد؟ همین بس که همین‌شدم
از شدت فراق رویش زرد گشته است. شب را به سر می‌کنم در حالی که با
ستاره شب مناجات می‌کنم مثل اینکه حبیب قلبم در آنجا پنهان شده است
شاعر احساسات درونی و غم و اندوه خود را از زمانه بیان و به مناجات با طبیعت
می‌پردازد و ستاره را همدم و همراه خود می‌داند و شهریار هم مثل زکریا از جفای روزگار
به طبیعت پناه می‌برد می‌گوید:

شب‌ها منم و چشمک محزون ثریا با اشک غم و زمزمه راز نیازت
(شهریار، ۱۳۷۶: ۱۰۱)

زکریا در جایی دیگر شب را به این صورت توصیف می‌کند:

اللیلُ یکتُم فی ظلمائه شبحاً یاوی الی شبیح، ضاقی الطرق
یا لیل! کم لک فی الأطوار من عجب یا لیل! حالک حالی، أمرنا نسق
(زکریا، ۲۰۰۷: ۲۵)

- شب در تاریکی‌اش شبی را می‌پوشاند و در مسیر تنگ به سوی شبی، پناه
می‌برد. ای شب چه بسیار شگفتی‌های پیچیده‌ای داری، ای شب حال تو و حال
من و امورمان به هم عطف شده است

شاعر این قصیده را وقتی در زندان بوده سروده است و درد و رنج خود را در قالب
شب طولانی به تصویر می‌کشد و حالات و احساسات خود را به شب تشبیه کرده که این
بر تأثیرگذاری بیت افزوده است. در مقابل شهریار هم احساس غم خود را به گونه‌ای زیبا
در سراپرده طبیعت همچون تابلویی زیبا به مخاطب القا می‌کند:

شب بود و نهیب باد و طوفان می‌کوفت در اطاق با مشمت
رگبار به شیشه‌های الوان خوش ضربه می‌گرفت با سرانگشت
(شهریار، ۱۳۷۱: ۵۷۰)

شب در شعر شاعرانی همچون مفدی زکریا و شهریار از پر بسامدترین نمادهاست که
وقتی حزن و اندوه بر شاعر غالب می‌شود به دامن طبیعت پناه می‌برد و آن را مکانی امن
برای خود قرار می‌دهد و به راز و نیاز با آن می‌پردازد. می‌توان به این قصیده مفدی اشاره
کرد که وقتی از زندان فرار کرده سروده است:

فی الحنایا/ وسواد اللیل قاتم/ مالت الاکوان سکری/ ثملات/ اودعتها، مهجة الأقدار
سرا/ فی الزوایا/ بین سهران ونائم/ ونجوم اللیل الحیری/ حالمت/ ضارعات، بث فیها الغیب
أمر(زکریا، ۲۰۰۷: ۱۰۷)

- در گوشه و کنار در حالی که شب بسیار تاریک بود و تمام عالم هستی در حالی
که مست بود، و به یک سو متمایل گشته بود سرنوشت‌ها رازی را در آن به
ودیعۀ نهادند، در کنج، بین شب‌زنده‌داری و خواب، در حالی که ستارگان
پریشان و آشفته، رؤیاهای ناتوانی‌ها، در آن امری پنهانی پخش شده است
الهام‌گیری مفدی از طبیعت که نشان‌دهنده روحیات و احساسات رمانتیکی وی
می‌باشد که شدت رنج و اندوه شاعر را می‌توان از واژه‌هایی که به کار گرفته است درک
کرد. کلمات قاتم، سواد، بیانگر افکار و اندیشه شاعر می‌باشد.
شهریار هم احساسات خود با کمک گرفتن از عناصر طبیعت به این صورت بیان
می‌کند:

آسمان با دیگران صاف است و با ما ابر دارد
می‌شود روزی صفا با ما هم اما صبر دارد
از غم غربت گرفت آئینه چشمم غباری
کآفتاب روشنم گوئی نقاب از ابر دارد

(شهریار، ۱۳۷۳: ج ۲/ ۹۲۴)

مفدی زکریا در اشعاری که به طبیعت روی آورده، بیش‌تر سیاسی و در مدح رهبران
می‌باشد. می‌توان به این بیت اشاره کرد:

واللیالی الحمرا، والقبة الزر
قاء والعندلیب والأزهارا
(زکریا، ۲۰۰۷: ۲۰۵)

- شب‌های سرخ، و گنبد آبی و بلبل و شکوفه‌ها
و از طرفی شهریار اشعاری در مورد فراق معشوق در قالب طبیعت سروده است:
باغ‌ها خلوت و خالی است کجائی بلبل
این همه خسته و خاموش چرائی بلبل
ماهتاب است و شبی سرد و من این گوشه خموش

همدم و هم‌نفسم نیست کجایی بلبل

(شهریار، ۱۳۷۳: ج ۹۱۲/۲)

نوستالژی

اصطلاح نوستالژی یا غم غربت به عنوان یکی از رفتارهای ناخودآگاه انسان، همواره بر محتوا و شیوه بیان شاعران، تأثیر فراوانی داشته است. این پدیده در شعر شاعرانی که احساس قوی تر دارند، ظهور و بروز بیش‌تری دارد (سلیمی، ۱۳۹۱). غم غربت به یاد آوردن خاطرات دوران کودکی و نوجوانی، حبس و تبعید، مهاجرت، غم و درد، پیری و اندیشیدن به مرگ، دورافتادن از سرزمین مادری به دلیل سیاسی و اقتصادی، از دست دادن یکی از عزیزان، پیدایش یک بیماری در فرد، احساس تنهایی، ترس از مشکلی که ممکن است در آینده برای او به وجود آید و غیر از این موارد می‌توان عوامل روحی روانی درونی یا بیرونی دیگری را که منجر به ایجاد این حس غربت در شخص می‌شود به موارد بالا افزود. این عوامل ویژه در حس ظریف شاعر تأثیرگذاری بیش‌تری داشته و سبب می‌شود تا غم غربت به عنوان یک موضوع در اشعار وی مطرح و بروز نماید و این بدین جهت است که شعر همیشه سلاح مهمی برای بیان عواطف و احساسات و یا حالات ناگوار روحی روانی بوده است (حاجی‌زاده: ۱۳۹۴).

دو دوره در زندگی مفدی زکریا وجود دارد که خاستگاه اشعار وی با درونمایه نوستالژی است: نخست دورانی که در زندان بوده و اشعار خود را در آن زمان سروده است؛ زندان برای شاعر ابدی است چون از مردم و وطنش و آزادی دور است. این دسته از اشعار وی حکایت‌گر غم و اندوه‌هایی است که فراموش شدنی نیست.

وَنَدَاءِ مَضَى يَهْزُ الْوَجُودَا صَرَخَةُ تَرَجَفُ الْعَوَالِمَ فِيهَا
وَاصْلُبُونِي فَلَسْتُ أَخْشَى حَدِيَا أَشْنَقُونِي فَلَسْتُ أَخْشَى حَبَالاً

(زکریا، ۲۰۰۷: ۱۸)

- فریادش در آنجا جهان را لرزاند و ندایی نورانی وجودش را تکان داد. مرا دار
بزنی که من از طناب‌های دار نمی‌ترسم و مرا به صلیب بکشید که من از
آهن‌های صلیب نمی‌ترسم

و دیگری دوره مهاجرت از وطنش و رفتن به مغرب و تونس، و احساسی که باعث به وجود آمدن غربت در شعرش هست. دوری از وطن و قلب آکنده از درد و اندوه که در سروده‌های ذیل هویداست:

لَكَ الْفُؤَادُ وَمَا فِي الْجِسْمِ مِنْ رَمَقٍ
وَمِنْ دِمَاءٍ وَمِنْ رُوحٍ وَجَثْمَانٍ
(زکریا، ۲۰۰۳: ۵۱)

- قلب، خون، روح، جسم و باقیمانده جانم برای توست
و منظومه «حیدربابایه سلام» از شهریار را می‌توان زیباترین جلوه شوق شاعر در بازگشت به وطن و روستای خود دانست. شاعر در جای جای آن، شوق بازگشت به روستا و زادگاهش را دارد. از جمله در ابیات زیر خود را یوسف گمگشته وطن می‌داند که باید روزی به آغوش آن بازگردد (سلیمی: ۱۳۹۱).

حیدربابا، چکدین منی گیتردین / یوردوموزا، یورامیزا یئتیردین / یوسفیوی
اوشاق ایکن ایتیردین / قوجا یعقوب! ایتیشسم ده تاپیسان / قووالاییب، قورد
آغزیندان قاپیسان (محمدزاده، ۱۳۸۲: ۹)

- حیدربابا، کشیدی‌ام آخر به سوی خویش، برگشت آب رفته دوباره به جوی
خویش، گم کردی از چه یوسف خود را به کوی خویش، یعقوب پیر من! تو بدان
همت سترگ، دریافتی مرا و رهاندی ز کام مرگ (مشروطه چی، ۱۳۹۰: ۱۵۶)
غم غربت مفدی زکریا به دلیل زندانی شدن و تبعید از وطن و دوری از مردمش
می‌باشد؛ در مقابل غربت شهریار دوری از روستای محل زندگی‌اش می‌باشد که با
یادآوری خاطرات دوران کودکی، مرگ مادرش و دوری از معشوق احساس غربت می‌کند.

نتیجه بحث

جلوه‌های مشترکی از زیباترین مضامین مکتب رمانتیسیم از جمله عشق به وطن، طبیعت، فقر و محرومیت و احساس غربت در آثار منظوم مفدی زکریا و شهریار وجود دارد که این دو شاعر با زیبایی غیر قابل وصفی توانستند این مفاهیم را در آثار خود بازتاب دهند. با بررسی و مقایسه اشعار مفدی زکریا شاعر الجزایر و محمدحسین شهریار شاعر بنام ایران می‌توان به نتایج ذیل اشاره کرد:

عشق واقعی شهریار و مفدی زکریا به وطن و ملت و ارزش‌های اسلامی و تمدنی آن موجب شده از دردهای آن به درد آیند و از شادی‌های آن شاد شوند و جان و مالشان را در راه وطن فدا کنند. از این روست که توانسته‌اند در مخاطبان خود تأثیر گذاشته و آن‌ها را به مقاومت در برابر دشمن برای رهایی وطن فراخوانند. عشق این دو شاعر به وطن و سرزمین غیر قابل تصوّر است که آن را در قالب اشعاری زیبا و دل‌انگیز بیان می‌کنند. شهریار و مفدی زکریا زمانی که می‌بینند با وجود آزادی بشر اشغالگران آزادی مردم سرزمین‌شان را سلب کرده‌اند و آن‌ها را به اسارت و بندگی برده‌اند و مردم در فقر و بدبختی زندگی می‌کنند، با شعر خود احساس مردم را از غربت نسبت به وطن‌شان به تصویر می‌کشند و فقر و محرومیت آن‌ها را ذکر می‌کنند که پیامدها و عواقب غیر قابل جبرانی را به دنبال دارد.

طبیعت به عنوان یکی از مفاهیم مشترک در دیوان این دو شاعر از جایگاه والایی برخوردار است که با هنرمندی بی نظیری در اشعارشان به تصویر کشیده شده است. زکریا طبیعت را مکانی امن برای خود می‌داند و با الهام‌گیری از آن، مدینه فاضله‌ای را برای سرزمین‌اش تصور می‌کند ولی شهریار با پرداختن به طبیعت به دنبال یادآوری دوران کودکی و خاطرات آن روزهاست.

غم غربت از دیگر موضوعات مشترک دو شاعر است. غربت زکریا از زندانی شدن و مهاجرت به مغرب و تونس و دوری از وطن همراه با حزن و اندوه در اشعارش به تصویر کشیده می‌شود و شهریار نیز غربت خود را با دوری از معشوق و مرگ مادرش در اشعارش بیان می‌کند.

کتابنامه

کتب فارسی

- جعفری جزى، مسعود. ۱۳۸۶، سیر رمانتیسیم در ایران، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- زرقانی، سیدمهدی. ۱۳۸۷، چشم انداز شعر معاصر ایران، چاپ سوم، تهران: بی نا.
- شهریار، محمدحسین. ۱۳۷۶ش، دیوان شهریار، تهران: نشر زرین.
- شهریار، محمدحسین. ۱۳۷۳ش، دیوان شهریار، تهران: نشر نگاه.
- شهریار، محمدحسین. ۱۳۷۱ش، دیوان شهریار، چاپ یازدهم، تهران: بی نا.
- شعر دوست، علی اصغر. ۱۳۸۶ش، شمع صدساله، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال شهریار.
- شمس لنگرودی، محمدتقی لاهیجی. ۱۳۷۷ش، تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۴، تهران: نشر مرکز.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۰ش، شعر معاصر عرب، تهران: نشر مرکز.
- علیزاده، جمشید. ۱۳۷۴ش، به همین سادگی و زیبایی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- محمدزاده، نین. ۱۳۸۲ش، کلیات اشعار ترکی شهریار به انضمام حیدر بابایه سلام، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه.
- مشروطه‌چی، کریم. ۱۳۹۰ش، حیدر بابای شهریار در آئینه زبان فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
- منزوی، حسین. ۱۳۷۲ش، این ترک پارسی گوی، چاپ اول، بی جا: نشر برگ.

کتب عربی

- الخونة، مسعود. ۱۹۹۶م، الموسوعة التاريخية الجغرافية، بیروت: مؤسسة هانیا.
- داغر، یوسف اسعد. ۲۰۰۰م، مصادر الدراسة الأدبية، بیروت: مكتبة لبنان.
- دوغان، احمد. ۱۹۹۶م، فی الأدب الجزائري الحديث، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- درار، أنیسة بركات. ۱۹۸۴م، أدب النضال الجزائري الحديث، الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
- زکریا، مفدی. ۱۹۶۱م، اللهب المقدس، بیروت: منشورات المكتب التجارى.
- زکریا، مفدی. ۲۰۰۷م، اللهب المقدس، المؤسسة للفنون المطبعية، الجزائر.
- زکریا، مفدی. ۱۹۸۶م، الیاذة، الجزائر: المؤسسة الوطنية للفنون الجميلة.
- زکریا، مفدی. ۲۰۰۳م، أمجادنا تتكلم، الجزائر: مؤسسة مفدی زکریا.
- سعد الجیار، شریف. ۲۰۰۸م، دراسة الاسلوبية والبنائية، طبعة قاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- علوش، سعید. ۱۹۸۷م، مدارس الأدب المقارن، الطبعة الاولى، المركز الثقافى العربى.
- قبش، احمد. ۱۹۷۱م، تاريخ الشعر العربى الحديث، دمشق: مؤسسة النورى.

مقالات

- پورعلی فرد، اکرم. ۱۳۸۲ش، «رمانتیسم اروپا و شعر نو پارسی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۴۶.
- حاجی‌زاده، مهین و فضاوردی، علی. ۱۳۹۴ش، «بررسی و تحلیل نوستالژی در شعر بلند حیدری»، فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی معاصر عربی، سال پنجم.
- خاکپور، محمد و اکرمی، جلیل. ۱۳۸۹ش، «رمانتیسم و مضامین آن در شعر معاصر فارسی»، فصلنامه علمی- پژوهشی کاوشنامه، سال یازدهم، شماره ۲۱.
- دادخواه، حسن و حیدری، محسن. ۱۳۸۵ش، «رمانتیسم در شعر بدر شاکر سیاب»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۹، صص ۱۱۳-۱۲۹.
- رفعت جو، حامد. ۱۳۸۴ش، «بازتاب رمانتیسم در عرصه ادبیات منظوم ایران»، کتاب ماه و ادبیات فلسفه، شماره ۹۱، صص ۶۸-۷۴.
- سلیمی، علی. اختر سیمین، حسین رضا. ۱۳۹۰ش، «تأثیرپذیری شاعران معاصر عرب از مکتب ادبی رمانتیک»، فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، سال دوم.
- سلیمی، علی و نعمتی، فاروق. ۱۳۹۱ش، «مقایسه تطبیقی نوستالژی در شعر محمدحسین شهریار و سید قطب»، ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی دی ماه.
- صدری‌نیا، باقر. ۱۳۸۲ش، «جلوه‌های رمانتیسم در شعر شهریار»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۶.
- عبادیان، نسرین و سلیمانی، زهرا. ۱۳۹۱ش، «بررسی تطبیقی مکتب رمانتیسم در اشعار نیما یوشیج و خلیل مطران»، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳.
- عبدی، صلاح‌الدین و احمدی‌ازندریانی، محمد. ۱۳۹۱ش، «بررسی تطبیقی طبیعت در شعر سهراب سپهری و بدر شاکر سیاب»، کاوشنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه، سال دوم، شماره ۸.
- غیبی، عبدالاحد و پورمحمد، رباب. ۱۳۹۰ش، «بررسی تطبیقی مضامین رمانتیسم در اشعار ابراهیم ناجی و محمدحسین شهریار»، فصلنامه لسان مبین، سال دوم: دوره جدید.
- مرتضویان، علی. ۱۳۸۶ش، «رمانتیسم در اندیشه سیاسی»، ارغنون، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۷۵-۱۸۸.

Bibliography

Persian References

Jozi jafari, Masoud, *Romanticism in Iran*, Tehran, Markaz, 2007.

Zarghani, Seyyed Mahdi, *Perspective of Contemporary Poetry of Iran*, Tehran, 2008.

- Shahryar, Mohammad Hossein, **Devane Shahryar** Tehran, Zarrin, 1997.
Shahryar, Mohammad Hossein, **Devane Shahryar** Tehran, Neghah, 1994.
Shahryar, Mohammad Hossein, **Devane Shahryar**, Tehran, 1992.
Sherdoust, Aliasghar, **Hundred years old candle**, Commemorative commemoration of the 100th anniversary of Shahriyar, 2007.
Shams langhrodi, Mohammad, Taghi Lahiji, **The Analytical Date of New poem** Tehran, Markaz, 1998.
Shafee kadcani, Mohammad Reza, **Contemporary Arabic poetry**, Tehran, Markaz, 2001
Alizadeh, Jamshid, **So simple and beautiful**, Tehran, Markaz, 1995.
Mohammadzadeh, Hamid, **The generalities of the Turkish poetry of the Shahriyar, including Heydarabaye Salam**, Neghah, 2003.
Mashrotechi, Karim, **Heydar Baba Shahriar in Persian Mirror**, Neghah, 2011.
Monzavi, Hossein, **This poet who says Turkish poetry**, Bargh, 1993.

Arabic References

- Al-Khaoneh, Masoud, **Historical Geography Encyclopedia**, Beirut, 1996.
Dagher, Yousef Asaad, **Sources of literature**, Beirut, 2000.
Doghan, Ahmad, **In the modern Algerian literature Damascus**, 1996.
Derar, Anisa Barakat, **Modern Algerian struggle literature**, Jazair, 1984.
Zakaria, Mofdi, **The Holy Flame**, Beirut, 1961.
Zakaria, Mofdi, **The Holy Flame**, Jazair, 2007.
Zakaria, Mofdi, **Elyazeh**, Jazair, 1986.
Zakaria, Mofdi, **Our glory speaks**, Jazair, 2003.
Saad Al Jeyar, Sharif, **Methodological and structural study**, Cairo, 2008.
Alvash, Saeed, **Comparative Literature Schools**, 1987.
Ghabsh, Ahmad, **History of modern Arabic poetry Damascus**, 1971.

Articles

- Pouralifard, Akram, **European Romanticism and New Persian Poetry**, Faculty of Humanities and Literature of Tabriz University, No. 46, 2003.
Hajizadeh, Mahin, Fazamoradi, Ali, **Analysis of nostalgia in Boland Heidari poetry**, Contemporary Arabic Literary Magazine, 2015.
Khakpour, Mohammad, Akami, jalil, **Romanticism and its themes in contemporary Persian poetry**, Kavoshname Journal, 2010.
Raraatjoo, Hamed, **Romanticism in the poem of Badr Shakir Sayyab**, Faculty of Humanities and Literature Journal, 2005.
Raraatjoo, Hamed, **Reflections on Romantic Literature in Iran**, Journal of Moon book and philosophy literature, 2005.
Salimi, Ali, Akhtarsimsin, Hossein Reza, **The influence of contemporary Arab poets on the romantic literary school**, Journal of Arab contemporary critique, 2011.
Salimi, Ali, Nemati, Faroogh, **Comparative Comparison of Nostalgia in the Poems of Mohammad Hossein Shahriar and Seyyed ghotb**, 6th National Conference on Literary Studies, 2012.
Sadrineya, Bagher, **Romanticism in Shahriar Poetry**, Faculty of Humanities and Literature Journal, 2003.
Ebadeyan, Nasrin, Soleymani, Zahra, **Comparative study of Romanticism school in the poems of Nimayoshij and Khalil Matran Persian**, language and language magazine, 2012.

Abdi, salaheddin, Ahmadi, Mohammad, **A Comparative Study of Nature in Sohrab Sepehri's and ScenarioBadr Shaker Sayab Poem**, Kavoshname Journal, 2012.

Gheibi, Abdolahad, Pourmahmod, Robab, **Comparative study of Romantic themes in Ebrahim Naji and Mohammad Hossein Shahriar poem**, Magazine lesen mobin, 2011.

Mortazaveyan, Ali, **Romanticism in political thought**, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 2007.